یادداشت روز

سیدمصطفی حسینی‌راد
info@khorasannews.com

مولانا؛ غریبی در قونیه

«مولانا»؛ این کلمه‌ای است که در ذهن و زبان ما ایرانی‌ها و بسیاری از پارسی‌زبانان و پارسی‌دوستان کشورهای دیگر آشناست. کدام پارسی‌زبان است که با سوز ابیات مثنوی معنوی نسوخته باشد و با شور غزلیات شمس، لحظاتش شورانگیز نشده باشد؟ مولانا جلال‌الدین بلخی که در بلخ زاده شد و در قونیه، روحش به آسمان شتافت، امروزه در گستره‌ای فراتر از فاصله ۳۰۰۰ کیلومتری بلخ تا قونیه، عاشق دارد. کافی است روزی بر سر مزارش در قونیه بروید تا ببینید که چگونه از شرق دور تا اقصی نقاط غرب دنیا، عاشقان او به دیدارش در قونیه می‌شتابند.

آنچه در فراز بالا خواندید، طلیعه مقاله‌ای بود که ۱۲ سال پیش در سفری که همراه با شماری از شاعران و اهل ادب به قونیه داشتیم، نوشتم. شاید جمله پایانی این فراز با تیتر این یادداشت یعنی غربت «مولانا» در قونیه متناقض بنماید اما چنین نیست و توضیح خواهم داد. در خبرها آمده بود که استاد شهرام ناظری که همه ما او را به دلیل کارهای ماندگارش در آواز ایران دوست داریم، در مراسمی که به تازگی در قونیه برای رونمایی از اثر تصویری‌اش «بیا ای عشق» برگزار شده، جمله عجیبی بر زبان آورده که آه از نهاد بسیاری از ایرانیان فرهنگ دوست برآورده است. استاد فرموده‌اند: «اگر مولانا در ایران بود، او هم از بین رفته بود!» شنیدن چنین سخنی از چنین شخصیتی واقعاً عجیب است. بگذریم از این که افراد زیادی به این سخن استاد ناظری واکنش اعتراضی نشان دادند و این سخن آن هم در کشوری که همواره برای مصادره کردن فرهنگ کشورهای دیگر به خصوص ایران عزیز ما پا در رکاب بوده، غم‌انگیزتر است. مولانای ایرانی هرگز و هیچ‌گاه در ذهن و زبان ایرانیان یعنی هموطنان راستین‌اش، غریب و مهجور نبوده و همواره یاد او و اشعارش در طول قرن‌ها زینت‌بخش ادبیات فارسی بوده است. چه پژوهش‌های ارزشمندی که درباره شعر و شخصیت او در ایران انجام شده و چه آثار متنوع هنری که بر اساس اشعار عمیق و جاودانه او در ایران خلق شده است. یک نمونه‌اش آثار به یادماندنی استاد شهرام ناظری است که بهترین‌هایش با اشعار مولانای بلخی اجرا شده است. اما آنچه من در سفر دو سه روزه به قونیه که از قضا همزمان با روز بزرگداشت مولانا هم بود، دیدم برای آن نگاهی که معتقد است ترکیه‌ای‌ها قدر مولانا را بهتر از ما می‌دانند، خواندنی است! درست است که شمار بازدیدکنندگان مزار مولانا در قونیه به مراتب از فردوسی توسی بیشتر است- و البته در این که از سعدی و حافظ شیرازی هم بیشتر باشد خیلی مطمئن نیستم- اما واقعیتی که من دیدم این بود که نگاه ترک‌های همسایه به مولانا یک نگاه کاملاً توریستی، اقتصادی و منفعت‌طلبانه است. وقتی ما به اتفاقِ گردشگرانی از کشورهای شرقی و غربی وارد بنای آرامگاه مولانا شدیم، هر قدر گشتیم، یک راهنمای آشنا به زبان فارسی که کتیبه‌های «نی‌نامه» در آغاز مثنوی معنوی را که گرداگرد آرامگاه زیر سقف، نقش بسته بود، بخواند پیدا نکردیم. جالب این جا بود که اهالی قونیه که بزرگ‌ترین شهر فرهنگی ترکیه و یکی از بزرگ‌ترین شهرهای این کشور از نظر وسعت و جمعیت و جذب گردشگر است، به هیچ زبانی غیر از ترکی خودشان آشنا نبودند و نمی‌شد با آنان کلمه‌ای سخن گفت و اختلاط فرهنگی کرد! نه در کوچه و بازار و نه در آرامگاه مولانا کسی با زبان‌های دیگر آشنا نبود و در این بنای بزرگ فرهنگی، مترجمی به زبان‌های دیگر مانند انگلیسی، عربی و به خصوص فارسی وجود نداشت که اشعار مولانا را برای گردشگران بخواند و معنی کند! من وقتی اوضاع را این طور دیدم، شروع کردم به خواندن «نی‌نامه» با صدایی که گردشگران هم بشنوند و به کتیبه‌ها نگاه می‌کردم که متوجه شوند دارم اشعار «رومی» را به زبان فارسی از روی کتیبه‌های آرامگاهش می‌خوانم. این موضوع برای گردشگران بسیار جالب و جذاب بود: «بشنو از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی‌ها شکایت می‌کند / کز نیستان تا مرا ببریده‌اند / در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند»... هنوز از دو سه بیت اول مثنوی نگذشته بودم که مسئول تالار به سرعت آمد و با ایما و اشاره گفت که نباید اشعار را با زبان فارسی و با صدای بلند بخوانید! هر قدر خواستیم متوجهش کنیم که آقاجان! مردم دوست دارند این اشعار را با زبان خود مولانا بشنوند، بی‌فایده بود! بعداً متوجه شدیم که اساساً ترکیه‌ای‌ها دوست ندارند اشعار مولانا به زبان فارسی خوانده شود و همه بفهمند که این شاعر بزرگ و جهانی، چقدر به ادبیات فارسی و ایرانی تعلق دارد! گویا آن‌ها هراس داشتند که مردم دنیا «رومی»شان را که همان «مولانا»ی ماست، متعلق به ایران و زبان فارسی بدانند و نه ترکیه و زبان ترکی! آن‌ها حتی شهرت ایرانی مولانا را هم عوض کرده‌اند و او را «رومی» می‌خوانند تا ثابت کنند که این نابغه نامور ادبیات، متعلق به روم شرقی یا سرزمین ترکیه امروزی است اما هر کاری می‌کنند با زبان رسای فارسی مولانا مواجه می‌شوند که پژواک از ورای قرن‌ها به مردمان امروز و فردا می‌رسد و فریاد می‌زند که «مولانای بلخی» متعلق به فرهنگ پارسی‌زبان است اما از بدحادثه در «قونیه» و دور از موطن فرهنگی خود، غریب مانده است؛ جایی که حتی اجازه نمی‌دهند اشعارش به زبان مادری و اصلی او که روزگاری در آن سامان نیز رواج داشته، خوانده شود. همه این‌ها را گفتم تا از استاد بزرگ آواز ایران جناب آقای ناظری گلایه کنم که استاد! شما که خود بر سر سفره اشعار مولانای پارسی‌زبان نشسته‌اید و قدر و جایگاه او را بهتر از دیگران می‌دانید چرا آب به آسیاب همسایه بی‌مهری می‌ریزید که با تمام توان سعی در مصادره این بزرگمرد ادبیات پارسی دارد؟ اگر گلایه‌ای هم از مسئولان فرهنگی کشور خود دارید بهتر است در داخل کشور و با رسانه‌های خودمان و در فضای فکری و فرهنگی خودمان مطرح کنید نه در فضای بیگانه‌ای که به مولانا، این پاره‌تن ادبیات پارسی، تنها به چشم یک منبع جذب گردشگر و درآمد می‌نگرند و سعی می‌کنند فرهنگ خودشان را با گوهرهای قیمتی دیگران، ذی‌قیمت نشان دهند. از بزرگانی چون شما که سال‌ها با صدایتان اشعار مولانای بزرگ را زمزمه کرده‌ایم، چنین حرکت و سخنی دور از انتظار است.

یادداشت

محمدعلی حسن نیا
info@khorasannews.com

نتانیاهو در واشنگتن به دنبال چیست؟

نخست‌وزیر اسرائیل، برای دیدار با دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، به ایالات متحده سفر کرد. این دیدار که پنجمین سفر نتانیاهو به آمریکا در سال جاری است، درباره دو موضوع اصلی برگزار خواهد شد: توافق درباره جنگ در غزه و درخواست اسرائیل برای چراغ سبز جهت حمله احتمالی به ایران. نتانیاهو قصد دارد از ترامپ درخواست کند که چراغ سبز برای حمله احتمالی به ایران بدهد و احتمالاً اطلاعاتی درباره برنامه موشکی ایران ارائه کند. چند روز پیش، آکسیوس به نقل از منابعی گزارش داد که نتانیاهو قصد دارد در این اجلاس درباره بازسازی قابلیت‌های موشکی ایران و احتمال حمله جدید علیه تهران بحث کند. گزارش شده که ایال زامیر، رئیس ستاد ارتش اسرائیل، به فرماندهی مرکزی آمریکا نگرانی رژیم صهیونیستی را از تمرین‌های موشکی اخیر ایران منتقل کرده و هشدار داده که این تمرین‌ها ممکن است پوششی برای حمله ناگهانی و پیش‌دستانه باشد. از سوی دیگر برخی رسانه‌های اسرائیلی گفته‌اند که اسرائیل در حال آماده کردن اطلاعات جمع‌آوری شده درباره ایران است تا ترامپ را به انجام اقدامات عملی، حتی گزینه حمله مستقیم قانع کند. به گزارش روزنامه اسرائیل هیوم (نزدیک به نتانیاهو) پرونده اطلاعاتی اسرائیل بر تجدید برنامه هسته‌ای ایران، توسعه موشک‌های بالستیک، فعالیت سپاه پاسداران ایران در منطقه تمرکز یافته است. از همین رو به نظر می‌رسد رزمایش موشکی ایران در منطقه غرب که ابتدا خبر منتشر و بعد تکذیب شد، نشانه‌ای از فعالیت جدی تهران برای مقابله با تل‌آویو است.

تلاطم در شام

علویان سوریه در اعتراض به حکومت جولانی تظاهرات کردند
اعتراضاتی که البته سرکوب شد

سیدمحمد مهدی هاشمی
info@khorasannews.com

علوی‌های جامعه سوریه روز یکشنبه در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه و تبعیض‌آمیز حکومت جولانی و محرومیت از حقوق شهروندی، اقدام به برگزاری تظاهرات مسالمت‌آمیز کردند که با حملات گسترده عناصر جولانی و حتی هواداران مسلح آن روبه‌رو شدند. این تظاهرات از صبح روز گذشته در مناطق مختلف همچون طرطوس، بانیاس، لاذقیه، جلبله و دیگر مناطق ساحل سوریه و استان حمص آغاز شد و بلافاصله عناصر وابسته به حکومت جولانی با انواع سلاح‌های گرم و سرد همچون شمشیر و قمه به جان تظاهرکنندگان مسالمت‌جو افتادند و آن‌ها را سرکوب کردند. همچنین تظاهرکنندگان سوری به نشانه خشم از حمایت‌های همه جانبه ترکیه از حکومت سرکوبگر جولانی، پرچم این کشور را در لاذقیه به آتش کشیدند. منابع سوری اعلام کرده‌اند که عناصر وابسته به حکومت جولانی به ربودن شهروندان علوی می‌پردازند تا آن‌ها را به دلایل طایفه‌ای کینه‌توزانه حذف کنند. اقدامات سرکوبگرانه عناصر جولانی سبب گسترش موج خشم و نفرت در میان طایفه علوی‌های سوریه شده است. شدت اقدامات سرکوبگرانه و تبعیض‌آمیز حکومت جولانی از زمان سلطه بر سوریه علیه اقلیت‌ها از جمله علوی‌ها به حدی رسیده است که در تظاهرات روز گذشته حمص، شهروندان خواستار فدرالیسم شدند. سرکوب خونین مردمی که تنها خواهان حقوق ساده و بدیهی خود هستند، در حالی انجام شد که همزمان با این اقدامات سرکوبگرانه، ارتش رژیم صهیونیستی بار دیگر به خاک سوریه حمله کرد و یک گشتی این رژیم با خیالی آسوده و بدون واکنش حکومت جولانی به شهرک کودنه در حومه قنیطره حمله و پنج شهروند سوری را هم بازداشت کرد.

پایان رسمی ماه عسل جولانی

همان طور که انتظار می‌رفت با گذشت یک سال از سقوط حکومت اسد در سوریه و حاکم شدن جولانی در این کشور، اکنون ماه عسل جولانی که صرف ارتباط‌گیری و مذاکره با صهیونیست‌ها، حضور در کاخ سفید و عکس یادگاری انداختن با اردوغان و بن سلمان در سفرهای منطقه‌ای‌اش بود، به پایان رسیده است. تظاهرات روز گذشته علوی‌های سوریه پس از تحمل حدود یک سال سرکوب و مواجهه با وحشی‌گری عناصر سابق القاعده و داعش تنها نوک کوه یخ مشکلات جولانی در دومین سال حکومتش بر سوریه است. مثلث مشکلات اساسی حکومت خودخوانده سوریه متشکل از مشکلات قومیتی، اقتصادی و امنیتی است.

مشکلات قومیتی: سوریه کشوری متشکل از مذاهب و اقوام گوناگون است که در طول سال‌ها در کنار یکدیگر زندگی می‌کرده‌اند. حاکم شدن عناصر تکفیری با رویه تند و اعمال وحشیانه در مواجهه با دیگر اقوام و مذاهب سوریه که در یک سال گذشته انجام شد، امروز این کشور را بار دیگر در لبه شدت گرفتن جنگ داخلی قرار داده است. علویان، دروزی‌ها و کردها همان طور که پیش‌بینی می‌شد خواستار خودمختاری هستند که احتمالا شیوه فدرالیسم مدنظر علویان، تنها راه برای حفظ تمامیت سوریه در عین در دست گرفتن سرنوشت‌شان به دست خودشان باشد. هر چند که موضع کردها و دروزی‌ها متفاوت است و دروزی‌ها مدتی است که در همکاری مستقیم با صهیونیست‌ها عملا جدا هستند و کردهای سوریه هم که بعید است سلاح خود را در مواجهه با عناصر جولانی کنار بگذارند.

مشکلات اقتصادی: به رغم حمایت کشورهای عربی مثل قطر و عربستان و همچنین پشتیبانی همه جانبه ترکیه از حکومت جولانی که موجب برداشته شدن تحریم‌های این کشور شده، مشکلات اقتصادی سوریه نه تنها حل نشده بلکه بدتر هم شده است و سوریه اکنون کشوری ویران است که به علت مسائل امنیتی امکان جذب سرمایه و بازسازی را هم ندارد. از سویی ترکیه نیز که قرار بود با صادرات برق به این کشور در روند بازسازی آن مشارکت کند، نتوانسته است به قول خود عمل کند و تداوم وضعیت وخیم اقتصادی حکومت جولانی تا آن جا پیش رفته که بسیاری از عناصر شبه نظامی تکفیری که قرار بود در ارتش سوریه ادغام شوند به علت دریافت نکردن حقوق، در حال ترک سوریه و بازگشت به کشورهای خودشان هستند که موجب صدور ناامنی به این کشورها هم خواهد شد.

مشکلات امنیتی: ریشه مشکلات امنیتی سوریه هم هیئت حاکمه سوریه هستند که همگی افراد با سابقه تروریستی و عضویت در گروه‌های تکفیری بوده‌اند. روز جمعه بود که مسجد امام علی(ع) در محله «وادی الذهب» در استان حمص سوریه متعلق به شیعیان این کشور، هدف بمب‌گذاری قرار گرفت که حدود ۱۰ نفر کشته و ۲۰ زخمی برجای گذاشت. با آن که هنوز مسئولان این حادثه معرفی نشده‌اند اما اصلا بعید نیست که برخی عناصر تکفیری حکومت جولانی پشت آن باشند. کسانی که مطابق برخی گزارش‌ها از عادی‌سازی روابط و بی‌عملی حکومت جولانی در تقابل با رژیم صهیونیستی و همدستی با آمریکایی‌ها از جولانی هم ناراضی هستند و بعید نیست که علیه وی کودتا کنند یا او را به قتل برسانند. از سویی توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی در همسایگی با سوریه نیز باعث از دست رفتن بخش‌های قابل توجهی از خاک سوریه در یک سال گذشته شده است؛ توسعه‌طلبی‌هایی که ادامه هم خواهد داشت و در شرایطی که جولانی درگیر به خاک و خون کشیدن اقوام داخلی سوریه است، فرصتی مناسب است تا اسرائیل بیش از پیش به اشغال بخش‌های جدیدی از سرزمین شام فکر کند.

دیوار امنیت با آجرهای هوشمند

بودجه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد
ایران مسیر «مدیریت هوشمند دفاعی» را برگزیده است

بودجه نظامی و امنیتی همواره یکی از حساس‌ترین شاخص‌های سیاست‌گذاری دولت‌هاست؛ شاخصی که همزمان بازتابی از سطح تهدیدات، رویکرد راهبردی و توان مدیریت اقتصادی کشورهاست. لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست و بررسی دقیق ارقام آن، تصویری متفاوت از روایت‌های ساده‌سازی شده ارائه می‌دهد. بر اساس داده‌های رسمی، مجموع بودجه در نظر گرفته‌شده برای نهادهای امنیتی و نظامی در سال ۱۴۰۵ به ۸۷۴ هزار میلیارد تومان (همت) می‌رسد. به نوشته نورنیوز، با کنار گذاشتن بخش‌های غیرنظامی و امنیتی و تمرکز صرف بر نهادهای نظامی، بودجه دفاعی ایران به ۶۷۳ همت کاهش می‌یابد؛ رقمی معادل ۷.۹ میلیارد دلار. این عدد، ایران را در زمره کشورهایی قرار می‌دهد که با وجود محیط امنیتی پرتنش، از ورود به مسابقه پرهزینه تسلیحاتی پرهیز کرده‌اند. از منظر نسبت بودجه‌ای، اهمیت موضوع روشن‌تر می‌شود. بودجه عمومی دولت در سال ۱۴۰۵ حدود ۵۲۰۰ همت، معادل ۶۱ میلیارد دلار برآورد شده است. بر این اساس، کل هزینه‌های امنیتی و نظامی حدود ۱۶ درصد بودجه عمومی را به خود اختصاص می‌دهد. اگر صرفاً بودجه نظامی ۷.۹ میلیارد دلاری لحاظ شود، سهم امور دفاعی به حدود ۱۳ درصد کاهش می‌یابد؛ نسبتی که در مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی برخی قدرت‌های منطقه‌ای، عددی متعارف محسوب می‌شود. این ارقام زمانی معنا پیدا می‌کنند که در بستر تجربه‌های امنیتی اخیر تحلیل شوند. ایران در سال ۱۴۰۴ وارد جنگ ۱۲ روزه شد؛ جنگی که می‌توانست به سرعت به چرخه فرساینده هزینه‌های نظامی منجر شود. تل‌آویو در جریان این جنگ، روزانه حدود ۵۹۳ میلیون دلار برای عملیات تهاجمی هزینه کرد؛ رقمی که در پایان ۱۲ روز از مرز ۷ میلیارد دلار عبور کرد. در مقابل، ایران با استفاده از دکترین «ضربه دقیق کم‌هزینه»، ۵۹۱ موشک با میانگین قیمت ۱۲۰ هزار دلار شلیک کرد که در مجموع ۷۱ میلیون دلار هزینه داشت. به این رقم باید ۲۱ میلیون دلار هزینه پرتاب ۱۰۵۰ پهپاد با متوسط قیمت ۲۰ هزار دلار را افزود. در مجموع، هزینه مستقیم عملیات تهاجمی ایران به حدود ۹۲ میلیون دلار رسید؛ یعنی ۷۷ برابر کمتر از طرف مقابل. این تفاوت فاحش، صرفاً یک مقایسه عددی نیست؛ بلکه نشانه‌ای از تغییر پارادایم در مفهوم قدرت نظامی است.

حرف مردم

۰۵۱ ۳۷۰۰۹۱۱۱ ۲۰۰۰۹۹۹ ۰۹۰۳۳۳۳۷۰۱۰

ستون «حرف مردم» انعکاس دهنده صادق حرف‌های شماست.

■ با توجه به تجربه‌ای که از حضور ۳۶-۳۵ ساله مخفی و علنی اصلاح طلبان تندرو یا به اصطلاح رادیکال در تمام صحنه‌های کشور داریم اگر می‌خواهیم کشورمان به تدریج در مسیر حل مشکلات قرار گیرد و به آرامش و ثبات برسد باید دقیقاً در جهت خلاف توصیه‌های آن‌ها حرکت کنیم چون تجربه نشان داده که توصیه‌های آن‌ها همیشه به گونه‌ای است که منجر به مشکلاتی می‌شود که آسیب‌های زیادی به کشور می‌زند. دلیل اکثر قریب به اتفاق مشکلات و ابرمشکلاتی که کشور با آن درگیر است عمل به توصیه‌های همین جنابان در نیمه اول دهه ۷۰ است.

■ دوست عزیزی نوشته «مبلغ اندکی به قیمت بنزین اضافه شده» ۷۰ درصد اضافه شده مبلغ ناچیزه؟ با تو دیگه کی هستی؟

■ شرکت گاز به مجتمع‌های ویلایی خارج از شهر که اکثرا دولتی است انشعاب ندهد مصرف گاز درست می‌شه.

■ انعکاس تلاش سپاه عزیز در بارش‌های اخیر با فناوری پهپادی در رسانه‌ها بسیار کم‌رنگ است. لطفا منعکس کنید. ممنون

■ از مسئولین محترم شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران و شرکت ملی گاز ایران، منطقه اصفهان، مصرانه می‌خواهیم که حداقل یک جایگاه سوخت‌گیری پمپ گاز طبیعی C.N.G در محله وسیع و شهرک بزرگ (خانه اصفهان) برای رفاه ساکنین و انبوه خودروهای گاز سوز آن‌ها احداث کنند.

■ در اخبار مطلع شدیم برای درمان ناباروری راهکار جدید و بی‌نظیری را کشف کرده‌اند که به حمدالله موفقیت‌آمیز هم بوده است، ضمن عرض تبریک و خداقوت به همه دانشمندان مبتکر این طرح افتخارآمیز. امیدواریم در کمترین زمان در سطح کشور برای زوج‌های نابارور بدون پیچیدگی به کارگیری شود.

■ موضوع گران‌فروشی موضوع بی‌نهایت تلخی است که مهار حداقل ادامه آن از قدرت گروهی مثل کسبه و تولیدکنندگان تقریبا خارج است، آن‌ها فقط می‌توانند با رعایت انصاف مقداری سود نگیرند، فقط ریشه‌کنی این معضل در اختیار، اراده و پشتکار دولتمردان است و بس.

■ چرا کسی با تورم مقابله نمی‌کند؟ بانک مرکزی پس چه کاره است؟

■ با این ریخت و پاش‌ها، حیف و میل‌ها، حقوق‌های نجومی و فرانجومی، اختلاس‌ها و تعداد زیاد شاغلان مازاد که در تمام ادارات دولتی و شبه دولتی، شرکت‌ها و کارخانجات دولتی و خصولتی وجود دارند اگر کشور و دولت دچار کسر بودجه نمی‌شدند باید تعجب می‌کردیم! دولت کویت هم که با ۴ میلیون جمعیت به اندازه ما صادرات نفت دارد اگر این جور غیرمسئولانه پول خرج می‌کرد حتی یک ماه هم دوام نمی‌آورد.

■ قانون می‌گه افزایش حقوق کارکنان و کارمندان باید بر اساس تورم باشه تا قدرت خریدشون حفظ بشود (توجه کنید حفظ بشه نه افزایش پیدا کنه) حالا همون مجلس که این قانون رو تصویب کرده هر سال برخلاف قانون میزان حقوق رو سال هاست که به بهانه کمبود منابع تقریباً نصف تورم افزایش می‌ده! این یعنی قانون‌شکنی توسط قانون‌نویسان!

■ علت سیاست‌های غلط و کوچک شدن سفره‌های مردم و گستاخی دشمن ضعف دولت است. افراد سفارش شده پست سیاسی گرفتند خبری از شایستگی نیست.

■ آقای قائم‌پناه که تقریباً گرداننده اصلی دولت است و به کلمه «معیشت» حساسیت دارند، بهبود معیشت را در کاهش نقدینگی عنوان کردند که تا حدود کمی کارساز است؛ ولی آقای قائم‌پناه! بهبود معیشت در برقراری چرخه واردات و صادرات است. چنانچه این کار از عهده صاحبان دولت برنمی‌آید یا اراده‌ای برای ایجاد این چرخه وجود ندارد چرخه تولید داخل را برقرار کنید تا با ایجاد فراوانی که منتج به ایجاد ارزانی می‌شود قدرت خرید بیشتری نیز ایجاد شود که در غیر این صورت با وجود کمبودها هر قدر هم عدد و رقم‌ها افزایش یابد مشکل همچنان باقی است.

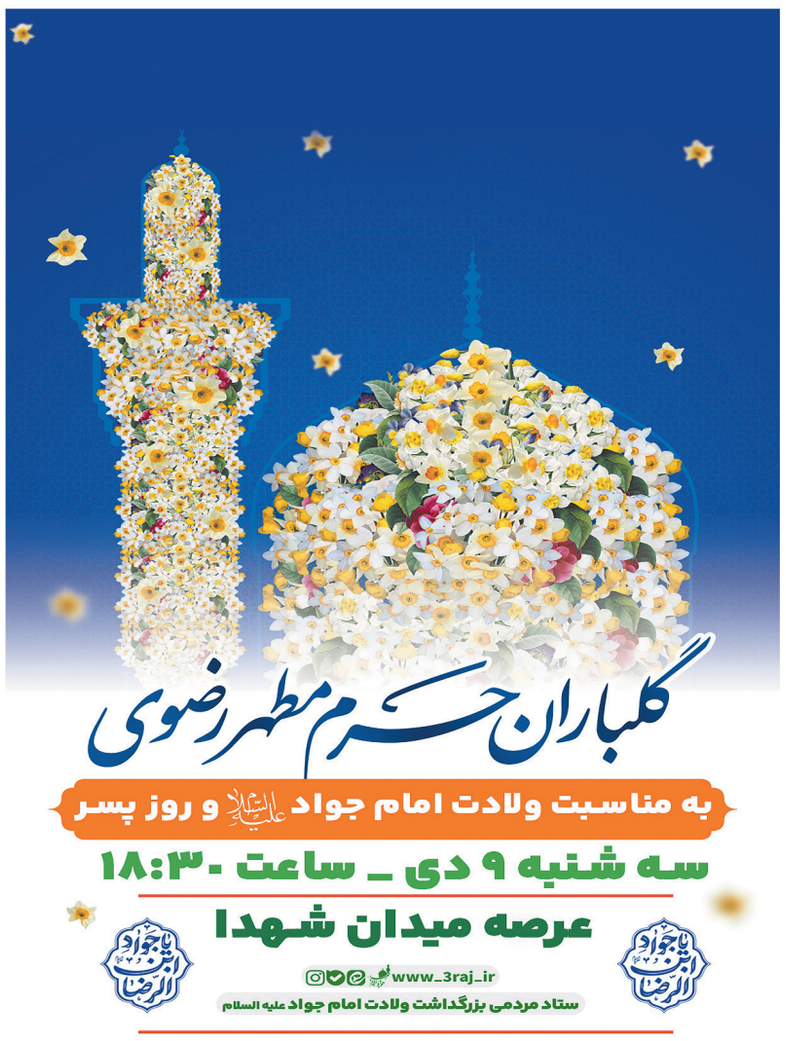

۱۶۳۷۱۵